



Research Paper

**Presenting a model of social resilience against climate change risks in the southeast of Iran (Sistan and Baluchistan)**

**Bahar Valizadeh<sup>1</sup> Afshin Mottaghi\*<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Postdoctoral Researcher, Department of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Department of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

**Keywords**

resilience, climate resilience, climate change, government-citizen relationship improvement, Sistan and Baluchistan.



**A B S T R A C T**

Every year, climatic hazards in different regions of the world lead to the vulnerability of many people. These climate events have an effect on people's lives and food and water security. In some cases, it leads people to move and migrate in pursuit of a safe environment to live. Resilience is one of the sought-after adaptation approaches against environmental hazards in order to reduce vulnerability. Therefore, it is necessary to increase climate resilience against current and future climate risks. This requires a complete and proper understanding of factors affecting climate resilience. The research method is a library-survey study. For the survey section, a sample consisting of 15 experts and senior experts in the field of geography, environment and policymaking were selected and interviewed in a semi-structured manner. The data are arranged according to the grounded theory. In a system that claims to be a religious democracy, people are effective in creating acceptance for the government and making it more efficient. However, people's attitude about the extent and manner of playing their role in the government changes over time under the influence of various factors, which is an effective factor in determining the mutual relationship between the people and the government and thus determining the acceptability and efficiency of the system. Therefore, the attitude of the people of Sistan and Baluchistan province towards the relationship between the government and the people and, accordingly, their role in the efficiency of the government, is a determining factor in the way they look at the issues and problems ahead, including climate change and its coping strategies such as climate resilience. This shows the need for the country's macro management to pay attention to public opinion management and to improve the attitude of the people of this region in this regard. In Iran and the southeast region efforts are being made to increase climate resilience, using the available facilities, technologies and social and educational planning. This also requires the government to play an active role in producing change. The national and regional resilience programs and policies can serve to minimize the negative effects of natural events and disasters and reduce migration by improving the relationship between the government and the people.

\*Corresponding Author.

Email Addresses: [A.mottaghi@khu.ac.ir](mailto:A.mottaghi@khu.ac.ir)

Valizadeh, B. and Mottaghi, A. (2025). Presenting a model of social resilience against climate change risks in the southeast of Iran (Sistan and Baluchistan). *Human Ecology*, 3(9), 757-771.

 Doi: <https://doi.org/10.22034/he.2025.559870.1165>



## ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان)

بهار ولی زاده<sup>۱</sup>، افشین متقی<sup>۲\*</sup>

۱ پژوهشگر پسادکتری گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲ گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### واژگان کلیدی

تاب‌آوری، تاب‌آوری اقلیمی، تغییرات اقلیمی، بهبود رابطه دولت و ملت، سیستان و بلوچستان



### چکیده

هرساله مخاطرات اقلیمی در مناطق مختلف جهان منجر به آسیب پذیری بسیاری از افراد می‌شود. این رخدادها اقلیمی در امنیت غذایی، آبی و جانی افراد اثرگذار است. در برخی موارد منجر میشود افراد در جستجوی محیطی امن برای زندگی جابه‌جا شوند و مهاجرت کنند. تاب‌آوری یکی از رویکردهای سازگاری در برابر مخاطرات محیطی است و به منظور کاهش آسیب‌پذیری به آن روی می‌آورند. از این رو، افزایش تاب‌آوری اقلیمی در برابر مخاطرات اقلیمی کنونی و آتی ضروری است. این امر، نیازمند شناخت جامع و اصولی عوامل اثرگذار بر تاب‌آوری اقلیمی است. روش تحقیق مطالعه کتابخانه‌ای - پیمایشی است. برای بخش پیمایشی نمونه‌ای متشکل از ۱۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران ارشد در حوزه جغرافیا، محیط زیست و سیاست‌گذاری در انتخابی هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفته‌اند. داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد تنظیم شده‌اند. در یک نظام مدعی مردم سالاری دینی، مردم در ایجاد مقبولیت برای حکومت و در جهت کارآمد سازی آن مؤثرند. اما شیوه نگرش مردم در مورد میزان و چگونگی ایفای نقش خود در حکومت تحت تأثیر عوامل مختلف، در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود که عامل مؤثری در تعیین رابطه متقابل ملت و دولت و در نتیجه تعیین میزان مقبولیت و کارآمدی نظام است. از این رو، نوع نگرش مردم استان سیستان و بلوچستان به رابطه دولت و ملت و به تبع آن نقش خود در کارآمدی حکومت، عامل تعیین کننده‌ای در نوع نگاه آنان به مسائل و مشکلات پیش رو از جمله در بر تغییرات اقلیمی و راه حل‌های مقابله با آن مانند تاب‌آوری اقلیمی می‌باشد که لزوم توجه مدیریت کلان کشور نسبت به مدیریت افکار عمومی و اصلاح نگرش مردم این منطقه در این زمینه را نشان می‌دهد. در ایران و منطقه جنوب شرق با توجه به امکانات در دسترس و برنامه ریزی‌های اجتماعی، آموزشی و به کارگیری فناوری، تلاش می‌شود تا تاب‌آوری اقلیمی افزایش یابد. این امر مستلزم آن است که دولت در سیاستگذاری‌ها نقش فعالی در ایجاد تغییرات ایفا کند تا برنامه‌ها و سیاست‌های تاب‌آوری ملی و منطقه‌ای با بهبود رابطه دولت و ملت در خدمت کمینه کردن آثار منفی رخدادها و بلایای طبیعی و کاهش مهاجرت باشد.

ارجاع به این مقاله: ولی زاده، بهار و متقی، افشین. (۱۴۰۳). ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان). اکولوژی انسانی، ۳(۹)، ۷۵۷-۷۷۱.

## ۱. مقدمه

تغییرات آب و هوایی یک واقعیت است (Anwar Hossen et al, 2022). تهدیدی جهانی برای پایداری نظام‌های محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی است و همچنین یکی از چالش‌های اساسی و تعیین کننده قرن بیست و یکم محسوب می شود. مطالعات نشان می‌دهد که ممکن است ۸۰ درصد از مساحت زمین که ۸۵ درصد از جمعیت جهان در آن ساکن هستند تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار بگیرد (Callaghan et al, 2021). آثار گرم شدن زمین و رخدادهای اقلیمی شدید و مکرر همراه با کاهش منابع سبب افزایش آسیب پذیری جوامع در زمینه امنیت غذایی، امنیت آب و مسائل بهداشتی و امنیتی می‌شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که بالا رفتن سطح دریا و جزرومد بالا، فرسایش سواحل و شور شدن مخازن آب شیرین در زندگی افرادی که در مناطق ساحلی کم ارتفاع و در جزایر کوچک ساکن هستند تأثیر خواهد گذاشت. ممکن است جمعیت‌هایی که در مناطقی با ارتفاع پایین تر از سطح دریا زندگی می‌کنند طی چند دهه آینده و با افزایش بیشتر سطح دریاها در معرض تهدید قرار بگیرند. از این رو با توجه به احتمال افزایش تعداد مخاطرات ناشی از بلایای طبیعی باید برای بهبود سیاست‌ها و شیوه‌های تاب‌آوری و کاهش آسیب‌ها و مساعدت و کمک رسانی اقداماتی صورت بگیرد. به همین علت در بسیاری از کشورها، رویکرد سازگاری و تاب‌آوری برای کاهش آثار مخرب پدیده‌های اقلیمی، تغییرات اقلیمی و مخاطرات محیطی برگزیده‌اند.

اگرچه سازگاری در تاریخ بشریت به جای استثنا قاعده بوده است، اما سرعت بی‌سابقه تغییرات اقلیمی ناشی از دخالت انسان نشان می‌دهد که اقدامات سازگاری قرن‌های گذشته ممکن است کافی نباشد (Berkhout, 2005). به عبارت دیگر سازگاری انسان با محیط در حال تغییر پدیده جدیدی نیست، اما به دلیل نگرانی‌های اقلیمی زیاد و سطح بالاتر آسیب‌پذیری تعداد بیشتری از مردم و نهادهایی که نیاز به مداخله دولت برای مقابله با تغییرات آب و هوایی دارند، احساس ضرورت برای محققان، سیاست‌گذاران و جامعه مدنی وجود دارد (Anwar Hoen et al, 2000). اهمیت استراتژی‌های سازگاری با هدف کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری در واکنش به اثرات نامطلوب تغییرات آب و هوایی در توافق کنه‌هاگ سال ۲۰۰۹ به رسمیت شناخته شد (Magis 2010). تاب‌آوری به معنای درک آسیب‌پذیری تعریف شده است. به این معنا که جامعه ظرفیت انطباق در مقابل خطرات و آسیب‌ها را دارد (Beilin & Wilkinson, 2015). منظور از تاب‌آوری، ایجاد توازن در نظام‌های بوم‌شناختی، اجتماعی یا اقتصادی در پاسخ به محرک‌های اقلیمی و آثار آنها است. این اصطلاح به تغییر در فرایندها، رویه‌ها، یا ساختارها برای تعدیل یا جبران خسارت‌های احتمالی با استفاده از فرصت‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی اشاره دارد (Smit and Pilifosova, 2003). بنابراین نیاز است تا در کشورها و جوامع راه‌حل‌های سازگاری را با تکیه بر دانش بومی و تجارب پیشینیان و همچنین اتخاذ فناوری‌های نوین مناسب محیط توسعه دهند و اقداماتی را برای پاسخ‌گویی به آثار تغییرات اقلیمی کنونی و همچنین آثار آینده آماده کنند. در این میان برخی از کارشناسان تاب‌آوری را یکی از رویکردهای سازگاری در برابر مخاطرات محیطی و آثار تغییرات اقلیمی مطرح کرده‌اند. این رویکرد ظرفیتی تعریف می‌شود برای افزایش آمادگی در برابر رخدادهای خطرناک اقلیمی، پاسخ‌گویی به این رخدادهای و بازیابی از آنها در عین اینکه کمترین آسیب به رفاه اجتماعی اقتصاد و محیط زیست وارد شود. همچنین این رویکرد اشاره دارد به فرایند و نتیجه سازگاری موفقیت‌آمیز. نمی‌توان همه جوامع آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات اقلیمی را با این تغییرات سازگار و آنها را تاب‌آور کرد. با این حال بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مردم و جوامع بومی و محلی برخی منطقه‌ها توانسته‌اند با به کارگیری راهبردهای گوناگون و دانش بومی و با استفاده از فناوری‌های پیشرفته با شرایط محیطی و اقلیمی منطقه خود سازگار شوند. در حالی که تاب‌آوری در برخی جوامع دیگر برآیند مثبتی نداشته است و به کارگیری راهبردهای آن منجر به ماندگاری و حفظ جوامع در مناطق مبدأ نشده است.

هدف این پژوهش، ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی در منطقه جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم است که به وسیله تحلیل دیدگاه‌های متخصصین و اهل فن از این پدیده، صورت می‌گیرد. با توجه به ویژگی‌های خاص استان سیستان و بلوچستان از جمله وجود بافت قومی و مذهبی، وجود حوضه آبی بحرانی هیرمند و هامون بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و آلودگی و خشکی هوا، این استان در معرض خطرات ناشی از وقوع تغییرات اقلیمی ناگوار قرار دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که در اثر مجموعه عوامل مذکور سطح آسیب‌پذیری استان سیستان و بلوچستان در برابر تغییرات اقلیمی بالا باشد. با توجه به مطالب بیان شده در راستای پایداری منطقه‌ای و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تغییرات اقلیمی و تاب‌آوری اقلیمی ساکنان، این ضرورت به طور جدی احساس می‌شود که با استفاده از روشها و مدل‌های مختلف میزان تاب‌آوری اقلیمی استان سیستان و بلوچستان در معیارهای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا با شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در افزایش تاب‌آوری محدوده مورد مطالعه به منظور کاهش خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی جهت تاب‌آور نمودن و پایداری ساکنان گامی مؤثر برداشته شود؛ در نهایت پژوهش حاضر درصدد است تا آثار و پیامدهای این پدیده در منطقه جنوب شرق را مورد پژوهش قرار دهد و الگویی برای سازگاری و تاب‌آوری اجتماعی در این منطقه ارائه کند.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقاتی که در بعد کلی با پژوهش حاضر در زمینه تبیین و بررسی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ارزیابی تحلیلی شاخص اندازه‌گیری آن در عوامل و شرایط علی، زمینه و مداخله گر همسویی دارد پژوهش سام آرام و منصور (۱۳۹۶) است. در مطالعه دیگری در همین راستا که توسط قلی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) انجام شده است نیز تحلیل و ارتقای تاب‌آوری شهرهای ساحلی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم؛ مطالعه موردی: شهر بابلسر را مربوط به آگاهی و شناخت کم ساکنین و مسئولین شهری نسبت به مفاهیم تاب‌آوری، تغییر اقلیم و فقدان آموزش، تبادل اطلاعات و نظرخواهی از ساکنین در طرح‌ها و برنامه‌ها و در نتیجه، تاب‌آوری پایین در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم دانسته‌اند. در مطالعه کاویانی راد و همکاران (۱۳۹۸) نیز تبیین بازتاب‌های امنیتی خشکسالی بر مهاجرت، نمونه پژوهی؛ مرزهای استان سیستان و بلوچستان، رخداد خشکسالی‌های شدید تا بسیار شدیدی در این منطقه بازتاب‌های منفی بر معیشت ساکنان منطقه داشته که با نگرش به وابستگی مردم این استان به منابع آب محدود و کشاورزی سنتی و همچنین نبود سیاست‌های آمایش سرزمینی کارآمد و بی‌سرانجامی مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان توانسته است منجر به افزایش بحران در شرق ایران شود و مردم این استان به ناچار برای فراهم شدن شرایط زیست بهتر به مهاجرت به استان‌های همجوار و نقاط دیگر ایران روی آورده‌اند. در مطالعه فرجی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز سنجش و ارزیابی جامعه شناختی تاب‌آوری شهر ورامین در برابر مخاطرات ناشی از تغییرات اقلیمی مورد پژوهش قرار گرفت که نشان داد مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی و زیربنایی در بین شهروندان میزان تاب‌آوری بالاتری نسبت به مؤلفه‌های محیطی و نهادی دارند. جدای از اینکه مطالعات و پژوهش‌های محدودی به بررسی پدیده تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی به طور خاص پرداخته‌اند، همچنان تعریف یا رویکرد جامعی در مورد این پدیده وجود ندارد و آنچنان که بیان شد، در هیچ یک از الگوهای ارایه شده به ابعاد، روندها و فعالیت‌های مورد نیاز برای تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) به گونه جامع و کامل پرداخته نشده است، مطالعات انجام شده ماهیتاً قیاسی بودند و در بیشتر موارد، صرفاً به شناسایی ابعادی از این پدیده با تبیین برخی از مولفه‌ها و عوامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) و در مواردی نیز به توصیف وضعیت پرداخته‌اند. در این بین شواهد اندکی از کاوش فرآیند تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یک پدیده مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است، با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) و توجه به ابعاد گوناگون آن از دید تجربی مدیران و متخصصان امر با رویکرد اکتشافی و استقرایی، مدنظر پژوهشگران بوده است.

### تغییر اقلیم<sup>۱</sup>

تغییر اقلیم در مورد تغییرات میانگین آب و هوا در یک مکان در دوره‌های طولانی می‌گویند که ممکن است به دلیل فرآیندهای داخلی طبیعی یا عوامل خارجی مانند نوسان چرخه‌های خورشیدی، فوران‌های آتشفشانی و تغییرات ناشی از فعالیت‌های مداوم انسانی در ساختار جو یا کاربری زمین باشد. کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیم UNFCCC<sup>۲</sup> در ماده ۱ خود، تغییرات اقلیمی را اینگونه تعریف می‌کند: تغییر اقلیم به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت‌های انسانی نسبت داده می‌شود که ترکیب جو جهانی را تغییر می‌دهد و این علاوه بر نوسانات آب و هوای طبیعی است که در دوره‌های زمانی قابل مقایسه مشاهده می‌شود. بنابراین UNFCCC بین تغییرات اقلیمی منتسب به فعالیت‌های انسانی که ترکیب جوی را تغییر می‌دهند و تغییرپذیری آب و هوا که به دلایل طبیعی نسبت داده می‌شود، تمایز قائل می‌شود. (IPCC, 2014). از زمان انقلاب صنعتی، فعالیت‌های انسانی مانند پاکسازی اراضی و سوزاندن سوخت‌های فسیلی غلظت گازهای گلخانه‌ای را در جو افزایش داده است. از سال ۱۷۵۱ تقریباً ۲۹۰ میلیارد تن کربن در جو آزاد شده است که نیمی از آن پس از اواسط دهه ۱۹۷۰ رخ داده است. در نتیجه، غلظت دی‌اکسید کربن (مهم‌ترین گاز گلخانه‌ای) در اتمسفر از سال ۱۷۵۰ تا کنون ۳۰ درصد افزایش یافته است. این انتشارات، لایه‌ای از گازهای گلخانه‌ای را غلیظتر کرده است، و میزان بیشتری از اشعه مادون قرمز خروجی را به دام می‌اندازد و منجر به گرم شدن جو، سطح زمین و اقیانوس‌ها می‌شود. این گرم شدن به این معنی است که فرآیند توزیع مجدد گرما از استوا به قطب‌ها شدیدتر می‌شود و منجر به تغییر در گردش‌های جوی و اقیانوسی، الگوهای آب و هوا و چرخه هیدرولوژیکی می‌شود (Barnett and Campbell, 2010: 8). افزایش دمای جهانی، رطوبتی را که اتمسفر می‌تواند در خود نگه دارد، افزایش می‌دهد که منجر به طوفان‌ها و باران‌های شدید می‌شود، اما به طور متناقضی همچنین با تأخیر آب بیشتر از خشکی و تغییر الگوهای آب و هوای جهانی، باعث دوره‌های خشکی شدیدتر می‌شود. این تغییرات در چرخه هیدرولوژیکی می‌تواند خشکسالی‌ها و سیل‌های قوی‌تر و طولانی‌تری را به همراه داشته باشد. به سختی می‌توان به منطقه یا کشوری اشاره کرد که در آینده بسیار نزدیک با چالش‌های بیشتری برای مدیریت این فرین‌ها<sup>۳</sup> مواجه نخواهد شد (world bank, 2021). مخاطرات

<sup>1</sup> Climate change

<sup>2</sup> United Nations Framework Convention on Climate Change

<sup>3</sup> Extremes

مرتبط با آب و هوا، سایر عوامل تنش‌زا را تشدید می‌کند، که اغلب با پیامدهای منفی برای معیشت، به ویژه برای افرادی که در فقر زندگی می‌کنند همراه است. مخاطرات مرتبط با آب و هوا مستقیماً از طریق تأثیر بر معیشت، کاهش محصولات زراعی یا تخریب خانه‌ها و به طور غیرمستقیم از طریق افزایش قیمت مواد غذایی و ناامنی غذایی بر زندگی افراد فقیر تأثیر می‌گذارد.

## تاب‌آوری<sup>۱</sup>

تاب‌آوری<sup>۲</sup> مفهومی چندبعدی است. به همین دلیل تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. «واژه تاب‌آوری اغلب به مفهوم بازگشت به گذشته به کار می‌رود. ریشه لاتین Resilio به معنای «برگشت به عقب»<sup>۳</sup> است. از سویی تاب‌آوری را توانایی سیستم‌های محیط شهری برای پاسخگویی به تنش ناشی از سوانح و بازتوانی سریع پس از آن تعریف کرده‌اند. این توانایی و ظرفیت، شرایط ذاتی سیستم را شامل شده و جذب اثرات سانحه و کنارآمدن با واقعه را تسهیل می‌سازد. به طور کلی فرایندهای تطبیقی پس از وقوع سانحه و توانایی سیستم برای سازماندهی مجدد، تغییر، آموختن از تجارب و نحوه پاسخ‌گویی به تهدیدات نشانه‌هایی از تاب‌آوری سیستم در برابر سوانح قلمداد می‌شوند از سویی تاب‌آوری را توانایی سیستم‌های محیط شهری برای پاسخگویی به تنش ناشی از سوانح و بازتوانی سریع پس از آن تعریف کرده‌اند. این توانایی و ظرفیت، شرایط ذاتی سیستم را شامل شده و جذب اثرات سانحه و کنارآمدن با واقعه را تسهیل می‌سازد. به طور کلی فرایندهای تطبیقی پس از وقوع سانحه و توانایی سیستم برای سازماندهی مجدد، تغییر، آموختن از تجارب و نحوه پاسخ‌گویی به تهدیدات نشانه‌هایی از تاب‌آوری سیستم در برابر سوانح قلمداد می‌شوند (Beilin & Wilkinson, 2015). در تعریفی دیگر، تاب‌آوری به توانایی در جهت پیش‌بینی خطر وقوع حوادث ناگوار، تأثیرگذاری و بازگشت به شرایط قبل از بحران با در امان ماندن، سازگاری، تحول و رشد در زمان مواجهه با تغییرات آسیب‌زا است (Withanaarachchi, 2013). تاب‌آوری ظرفیت سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی برای مقابله با یک رویداد، روند یا اختلال خطرناک، واکنش یا سازماندهی مجدد به روش‌هایی که عملکرد، هویت و ساختار اساسی خود را حفظ می‌کند، در حالی که ظرفیت سازگاری، یادگیری و تغییر و تحول را نیز حفظ می‌کند (IPCC, 2014). توانایی یک جامعه برای رویارویی با فشارها و اختلالات بیرونی بدون هیچ گونه دگرگونی قابل توجهی به عنوان تاب‌آوری اجتماعی نامیده می‌شود. تاب‌آوری در سطح جامعه را می‌توان به عنوان ساختارهای پویا از معیشت، دسترسی به منابع و نهادهای اجتماعی در نظر گرفت. در عمل، جوامع دائماً در حال تغییر هستند. در این زمینه، جوامعی را می‌توان تاب‌آور پذیر دانست که بتوانند اثرات شوک‌ها و تنش‌ها را کاهش دهد یا حتی به آن‌ها پاسخ مثبت دهند.

## تاریخچه تاب‌آوری

واژه تاب‌آوری را هولینگ<sup>۴</sup> نظریه‌پرداز بوم‌شناختی در سال ۱۹۷۳ ارائه کرد. هولینگ تاب‌آوری را به عنوان یک مفهوم توصیفی و کیفی در نظر گرفت که ایجادکننده درک و فهم در خصوص ویژگی‌های پویای یک سیستم است (Gross, 2008). از آن لحظه به بعد، اهمیت این واژه شروع به رشد کرد و کاربرد آن به حوزه‌های علمی و سیاسی مختلفی همچون بوم‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد و مهندسی گسترش یافت (The Young Foundation, 2012). هولینگ در مقایسه تاب‌آوری و پایداری سیستم‌های زیست محیطی بیان می‌کند: ما با سیستمی روبه‌رو هستیم که به طور ژرفی تحت تأثیر تغییرات بیرونی قرار می‌گیرد و به طور ممتد با مسائل غیرمنتظره مواجه می‌گردد، در این خصوص پایداری رفتار آن بسیار کم‌اهمیت‌تر از پایایی روابط درونی آن است و معتقد است تاب‌آوری توانایی سیستم برای بازگشت به حالت تعادل پس از یک اختلال موقتی را تأمین می‌کند. هرچه سرعت بازگشت به تعادل بیشتر و نوسانات و تغییرات کمتری بروز نماید سیستم با ثبات‌تر و پایدارتر است. او نتیجه می‌گیرد که تاب‌آوری و ثبات دو خاصیت مهم یک سیستم هستند و سیستم می‌تواند تاب‌آوری بالایی داشته باشد در حالی که نوسانات زیادی دارد و پایداری آن پایین است (Partovi et al., 2016). سپس واژه تاب‌آوری در علوم فیزیکی به منظور توضیح رفتار یک فنر استفاده شد. پس از آن در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، واژه تاب‌آوری توسط گروه‌های زیست‌بوم‌شناسی و روانشناسی برای توصیف پدیده‌های نسبتاً متفاوتی به کار برده شد. از نظر روانشناسی، تاب‌آوری برای توصیف گروه‌هایی که رفتار خود را در قبال سختی‌ها و مشکلات عوض نمی‌کنند استفاده شد (Samavar and Mansouri, 2017). در زیست‌بوم‌شناسی، این واژه برای توصیف اکوسیستم‌هایی که کم و بیش به کارکرد خود در حضور سختی‌ها و مشکلات ادامه دادند اطلاق شد. در سال ۱۹۸۰ تاب‌آوری برای اولین بار، بر حسب فجایع به طور مشخص توسط جامعه مهندسی (خصوصاً با ارجاع به زیرساخت‌های فنی) به کار گرفته شد و به مفهوم توانایی فراگیری و ترمیم رخدادهای خطرناک مرتبط شد. از آن زمان به بعد، تعاریفی ترکیبی به وجود آمده که تعاریف مهندسی را با زیست‌بوم‌شناسی و تعاریف زیست‌بوم‌شناسی را با تعاریف رفتاری ترکیب می‌کنند و در واقع، مفهوم تاب‌آوری به سایر حوزه‌ها چون حوزه اجتماعی و اقتصادی نیز ورود پیدا کرده است (Sarvari Dardashti et al., 2019). علیرغم گستره وسیعی از رشته‌هایی که این واژه در آنها به کار می‌رود،

<sup>1</sup> Resilience

<sup>2</sup> Resilience

<sup>3</sup> bouncing back

<sup>4</sup> Holling

محبوب‌ترین تفاسیر تاب‌آوری در روان‌شناسی و بوم‌شناسی یافت شد که بر اساس آن‌ها توانایی یک نهاد (شخص، سیستم‌های زیست‌محیطی، شرکت‌ها و غیره) برای مقابله با شرایط نامطلوب، رویدادها، و سپس برگشت به حالت عملکردی اولیه است (The Young Foundation, 2012). با گسترش این حوزه، جامعه‌شناسان از اصطلاح «تاب‌آوری» برای توضیح توانایی انسان برای بازگشت به حالت عادی خود پس از جذب مقداری استرس یا پس از زنده ماندن از برخی تغییرات منفی استفاده کردند (Surjan, Sharma, Shaw, 2011). آنچه مشخص است این است که تا دهه ۱۹۸۰ رویکرد کاهش میزان آسیب‌پذیری و مقابله با بحران بر متون نظری مدیریت بحران حاکم بود. از دهه ۱۹۸۰ و به خصوص، ۱۹۹۰ محققان علوم اجتماعی به نقد رویکرد علوم طبیعی در مدیریت بحران پرداختند و معتقد بودند که آسیب‌پذیری یک خصوصیت اجتماعی نیز دارد و به خسارت جمعیتی و فیزیکی محدود نمی‌شود. از آن پس به تدریج تلاش‌هایی جهت تغییر در الگوواره غالب مدیریت بحران صورت گرفته است. از این‌رو، امروزه در سطح جهان، تغییرات چشم‌گیری در نگرش به سوانح دیده می‌شود؛ به طوری که دیدگاه غالب از تمرکز صرف بر کاهش آسیب‌پذیری به افزایش تاب‌آوری در مقابل سوانح تغییر پیدا کرده است در این الگوواره جدید، تغییر نگاه از واکنش‌پذیری و تک عاملی (دولت‌محور) به سمت بازدارندگی و مشارکت است. این الگوواره رویکرد چندرشته‌ای دارد و برنامه‌ریزی با جامعه را به برنامه‌ریزی برای جامعه ترجیح می‌دهد (Bastaminia et al., 2018). در ادامه، سیر تحول مفهومی این اصطلاح ارائه شده است.

### جدول ۱. سیر تاریخی مفهوم تاب‌آوری

سال	منبع	فعالیت
۱۹۷۵	وایت و هاس	نخستین ارزیابی اثرات سوانح و زلزله ۱۹۶۴ آلاسکا
۱۹۹۴	اجلاس یوکوهاما	اهمیت ابعاد اجتماعی آسیب‌پذیری و کاهش خطر سوانح
۱۹۹۹	میلتنی	توسعه جوامع تاب‌آور در برابر سوانح به‌عنوان روشی نو و منطقی جهت کاهش خسارات سوانح و مخاطرات طبیعی
۲۰۰۰	ادگر	بررسی واکنش‌های رفتاری جوامع، مؤسسات و اقتصاد مکان‌های مختلف
۲۰۰۰	چارچوب معیشت	ارزیابی تأثیر تلاش‌های موجود برای کاهش فقر بعد از بحران‌ها مثل: سوانح طبیعی با استفاده از ترکیب سرمایه-های طبیعی، اجتماعی، مالی، انسانی و طبیعی جهت تقویت تاب‌آوری جامعه
۲۰۰۵	توسعه پایدار	جهت توسعه پایدار و استفاده از منابع برای نسل‌های آتی
۲۰۰۵	چارچوب هیوگو	هدف اصلی آن علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری به نحوی باز به سمت تمرکز روی ایجاد تاب‌آوری در جوامع گرایش پیدا کرده است. همچنین، در جهت کاهش بلایا و مدیریت محلی گرایش پیدا کرده است.
۲۰۱۵	چارچوب سندها	ریسک بلایا، ایجاد تاب‌آوری ملل و جوامع در مقابل آنها

منبع: (Shahpari Sani and Majidi, 2021)

### تاب‌آوری در مقابل تغییر اقلیم

سیاست‌های افزایش تاب‌آوری را می‌توان سیاست‌های سازگاری با آب و هوا به معنای وسیع‌تر در نظر گرفت، بدین معنی که افزایش تاب‌آوری احتمالاً به این معنی است که تأثیرات تغییرات محیطی آینده را می‌توان بهتر تحمل کرد. سازگاری با اقلیم فرآیندی است که از طریق آن افراد از اثرات نامطلوب آب و هوا بر سلامت و رفاه خود می‌کاهند و از فرصت‌هایی که محیط اقلیمی آن‌ها فراهم می‌کند استفاده می‌کنند. این امر مستلزم تغییراتی برای افزایش میزان موفقیت فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر آب و هوا، از جمله تغییرات فعلی و رویدادهای شدید و همچنین تغییرات آب و هوایی طولانی‌مدت است (Smit and Pilifosova, 2003). مقیاس سازگاری در سیستم‌های فیزیکی، اکولوژیکی و انسانی متفاوت است. می‌تواند محلی، ملی، منطقه‌ای یا جهانی باشد. از اقدامات انجام شده توسط یک فرد یا خانواده تا یک تنش خاص، از اقدامات اتخاذ شده توسط یک جامعه تا تنش‌های متعدد، از اقدامات سیستم جهانی تا همه تنش‌ها و نیروها را شامل می‌شود. این تحت تأثیر عواملی از حفاظت از رفاه اقتصادی تا بهبود ایمنی ایجاد می‌شود (Banerjee, 2012).

سازگاری شامل کاهش آسیب‌پذیری در برابر تأثیرات تغییرات آب و هوایی و افزایش ظرفیت سازگاری است. کاهش و سازگاری با تغییرات اقلیمی دو استراتژی است که باید توسط کشورها برای پیش‌بینی، پیشگیری و به حداقل رساندن تغییرات اقلیمی اجرا شود. استراتژی‌های کاهش، اقداماتی هستند که انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهند و ذخیره‌کننده‌های کربن<sup>۱</sup> را افزایش می‌دهند، مانند بهتر کردن رفتارهای سازگاری زیست‌محیط گرایانه<sup>۲</sup> و افزایش مساحت جنگل به عنوان ترسیب کربن<sup>۳</sup> یا ذخیره‌کننده‌های کربن. در همین حال، استراتژی‌های سازگاری اقداماتی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر پیامدهای تغییرات آب و هوایی مانند انطباق سیاست‌های ملی، ابزارها و زمینه‌های سازمانی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند (Situmorang et al., 2023). فرآیند سازگاری با اقلیم واقعی یا مورد

1 Carbon sinks  
2 Pro environmental  
3 Carbon sequestration

انتظار و اثرات آن، به منظور تعدیل آسیب یا بهره برداری از فرصت های مفید (Ara Begum et al., 2022). هدف سازگاری کاهش خطر اثرات زیان بار تغییرات آب و هوایی بر جوامع است (Mac Adam, 2012).

سازگاری می تواند پیش بینانه یا واکنشی، مستقل یا برنامه ریزی شده، ساختاری یا غیرساختاری، در محل یا خارج از محل، تدریجی و تحول آفرین باشد. سازگاری که قبل و پس از تأثیرات تغییرات اقلیمی اتفاق می افتد به ترتیب سازگاری پیش بینانه و واکنشی نامیده می شوند (Mccarthy et al. 2001). با گذشت زمان، رفتار جوامع، گروه ها و افراد با تغییرات اقلیمی گذشته سازگار شده است و بسیاری به فکر سازگاری با تغییرات آینده در شرایط آب و هوایی هستند. از آنجایی که بیشتر این سازگاری از تجربه رویدادهای گذشته یا فعلی ناشی می شود، به طور کلی ماهیت واکنشی دارد. در عین حال، ممکن است تا حدی پیش بینانه باشد، زیرا ممکن است شامل برخی ارزیابی های شرایط آتی باشد (Banerjee, 2012).

بسیاری از دولت ها در سراسر جهان نیاز به تسهیل سازگاری با تغییرات آب و هوایی را با تنوع گسترده ای از سیاست های عمومی درک کرده اند و شروع به توسعه برنامه ها و سیاست های سازگاری و گنجاندن ملاحظات تغییر اقلیم در برنامه های توسعه جامع تر می کنند. نمونه هایی از سازگاری در مناطق مختلف شامل موارد زیر است:

- در آفریقا، اکثر دولت های ملی در حال راه اندازی سیستم های حکمرانی برای سازگاری هستند. مدیریت خطر بلایا، تعدیل و اصلاح در فناوری ها و زیرساخت ها، رویکردهای مبتنی بر اکوسیستم، اقدامات اساسی بهداشت عمومی و تنوع معیشت، آسیب پذیری را کاهش می دهند.
- در اروپا، سیاست سازگاری در تمام سطوح دولت، با برخی برنامه ریزی های سازگاری که در مدیریت ساحلی و آب، حفاظت از محیط زیست و برنامه ریزی اراضی، و مدیریت خطر بلایا ادغام شده است، ایجاد شده است.
- در آسیا، سازگاری در برخی مناطق از طریق جریان اصلی اقدامات سازگاری آب و هوا در برنامه ریزی توسعه محلی، سیستم های هشدار اولیه، مدیریت منابع آب یکپارچه، جنگلداری زراعی و احیای جنگل های ساحلی مانگرو تسهیل می شود.
- در استرالیا، برنامه ریزی برای افزایش سطح آب دریا، و در جنوب استرالیا برای کاهش یافتن دسترسی به آب، به طور گسترده در حال اتخاذ است. برنامه ریزی برای افزایش سطح دریا به طور قابل توجهی در طول ۲ دهه گذشته تکامل یافته است و رویکردهای متنوعی را نشان می دهد، اگرچه اجرای آن به صورت تدریجی باقی مانده است.
- در آمریکای شمالی، دولت ها در حال ارزیابی و برنامه ریزی سازگاری فزاینده، به ویژه در سطح شهری هستند. برخی از سازگاری های کنشگرایانه برای محافظت از سرمایه گذاری های بلندمدت در انرژی و زیرساخت های عمومی در حال رخ دادن است.
- در آمریکای مرکزی و جنوبی، سازگاری اکوسیستم محور شامل مناطق حفاظت شده، موافقت نامه های حفظ منابع طبیعی و مدیریت اجتماعی مناطق طبیعی در حال وقوع است. انواع محصولات پایدار و مقاوم، پیش بینی های اقلیمی، و مدیریت یکپارچه منابع آب در بخش کشاورزی در برخی مناطق اتخاذ شده است.
- در قطب شمال، برخی از جوامع شروع به کارگیری استراتژی های مدیریت مشترک تطبیقی و زیرساخت های ارتباطی، ترکیب دانش سنتی و بومی کرده اند.
- در جزایر کوچک، که دارای ویژگی های فیزیکی و انسانی متنوعی هستند، سازگاری مبتنی بر جامعه هنگامی که که همراه با سایر فعالیت های توسعه ارائه می شود، مزایای بیشتری ایجاد می کند.
- در اقیانوس، همکاری بین المللی و برنامه ریزی فضایی دریایی با محدودیت های ناشی از چالش های مقیاس فضایی و مسائل حاکمیتی، سازگاری با تغییرات آب و هوایی را تسهیل می کند (IPCC, 2014).

### ۳. مواد و روش ها

#### ۳-۱. روش پژوهش

جهت ارائه الگوی تاب آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان)، از نظریه گردند تئوری با رهیافت کوربین و استراوس (۲۰۱۵) استفاده شده است (Corbin & Strauss, 2015). در این راستا نمونه ای متشکل از خبرگان و صاحب نظران ارشد در حوزه ی جغرافیا، محیط زیست و سیاست گذاری به روش هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیم ساختاریافته قرار گرفته و تا رسیدن به زمان اشباع داده (۱۵ نفر)، یعنی مرحله ای که مصاحبه شونده ها در مفاهیم، مباحث و موضوعات تم های جدیدی بیان نکردند ادامه یافت. داده ها بر اساس گردند تئوری بعد از تبدیل به کد، مفهوم و مقولات در قالب عوامل علی، محوری، زمینه ای، مداخلگر، الزامات راهبردی و پیامدها، دسته بندی شده اند. در این تحقیق برای اطمینان از مقبولیت از نوشتن متن های بلند تفصیلی استفاده شد تا امکان بازبینی

متن نوشته شده مصاحبه‌ها به وسیله مشارکت‌کنندگان فراهم شود و از اعتبار آن‌ها اطمینان حاصل شود. نظر مشارکت‌کنندگان در مورد گزارش نهایی در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

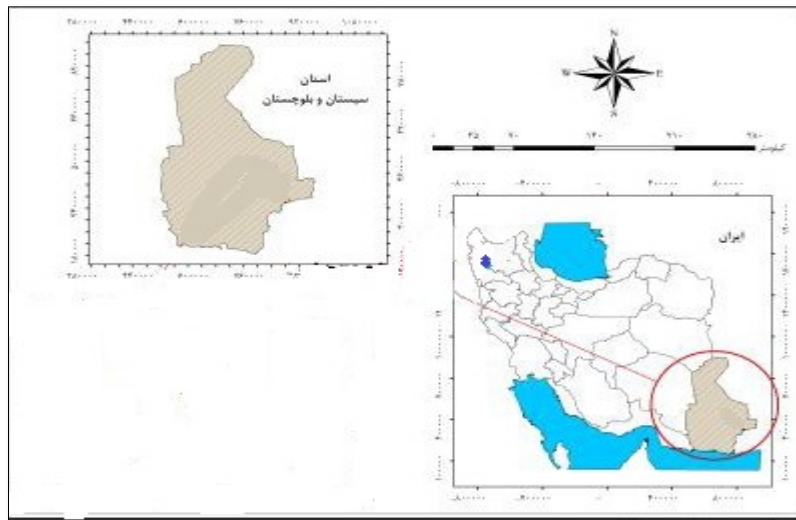
یکی از اساسی‌ترین مسائلی که می‌تواند محقق کیفی را سردرگم کند، حجم بالای اطلاعات، داده‌ها، کدها و دسته‌بندی آن‌هاست. هر چند می‌توان بواسطه نرم‌افزارهای عمومی، یا به صورت دستی نظم لازم را تا حدی برقرار کرد، اما استفاده از نرم‌افزاری که به این منظور طراحی شده است، بهتر می‌تواند در نظم بخشی به کار موثر باشد. از این رو، ما از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA 18، برای این منظور استفاده کرده‌ایم.

### کدگذاری داده‌ها (احصاء کد از متن)

در کدگذاری باز بر اساس روش مرسوم در نظریه داده بنیاد، ابتدا برای تشریح و تفسیر نتایج مصاحبه به هریک از اجزاء عنوان و برجستگی داده ایم. این عناوین که اصطلاحاً به آن کد گفته می‌شود، معرف محتوای داده‌ها به طور خلاصه است. عبارت بهتر، عناوین و تیترهایی که انتخاب شده‌اند، ضمن خلاصه کردن محتوا، معرف مفهوم جملات نیز هستند (Corbin & Strauss, 2015).

### ۲-۳. محدوده مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان در ناحیه جنوب شرق کشور ایران واقع شده است. مساحت کل استان ۱۸۷۵۰۲، شامل ۴۷ بخش، ۳۷ شهر و ۱۱۲ دهستان است که ۱۱.۵ درصد از وسعت کشور را برمی‌گیرد. از این مقدار ۱۵/۱۹۷ کیلومتر مربع آن مربوط به سیستان و ۱۷۲/۳۰۵ کیلومتر مربع آن در بخش بلوچستان واقع شده است. این استان از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان و از غرب به استان‌های هرمزگان و کرمان محدود شده است. مرزهای استان حدود ۱۵۸۰/۲ کیلومتر یعنی معادل یک ششم از کل مرزهای جمهوری اسلامی ایران است. طول مرزهای استان با کشور افغانستان ۲۸۸.۵ کیلومتر یعنی معادل یک سوم از کل مرز ایران با افغانستان و طول مرزهای مشترک استان با کشور پاکستان ۹۲۱.۷ کیلومتر بوده که کل مرز مشترک ایران و پاکستان را تشکیل می‌دهد. طول مرزهای آبی استان با ساحل دریای عمان نیز ۳۷۰ کیلومتر است (Valizadeh et al., 2019: 80).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان

### ۴. یافته‌ها

#### کدگذاری باز

در کدگذاری باز، در گام اول، هر پاراگرافی از داده، مطالعه می‌شود. در صورتی که در یک پاراگراف، به نظری‌آمد که مفاهیم متعددی نهفته است، این حجم از مطالعه به یک جمله محدود می‌شود. مطلبی را که یک تکه از داده‌ها می‌توانست نشان دهد، مورد مطالعه قرار می‌گرفت تا مفاهیم آن استخراج شود. به عنوان مثال با مقایسه مفاهیم مختلف، محقق متوجه شده است که مفاهیم «افزایش اعتماد عمومی» و «جلب رضایت مردم» و «مشارکت مردمی» اشاره به یک چیز دارند؛ این که تبیین سیاست‌گذاری نیازمند ساز و کارها و رویه‌هایی مشخصی می‌باشد. با توجه به این مطلب محقق از هر ۳ مفهوم فوق مقوله «بهبود رابطه دولت و ملت» را استخراج نموده است. این مفهوم در سطح بالاتری از مفاهیم فوق بوده، انتزاعی‌تر است و هر ۳ مفهوم قبلی را پوشش می‌دهد. دیگر مقوله‌ها نیز به همین صورت استخراج شده‌اند. ضریب توافق افراد مصاحبه شونده بر روی مقوله‌ها و مفاهیم این پژوهش، علیرغم حوزه‌های متمایز تخصصی هر یک در سیاست‌گذاری، بیش از ۹۰ درصد

تشخیص داده شد. در این مرحله، ابتدا بیش از ۲۸۰ مفهوم شناسایی شد و طی بررسی دقیق و حذف موارد مشابه و یا تکراری در نهایت ۲۴۰ مفهوم اشباع شده منحصر به فرد ساخته شد که نتیجه این فرآیند در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم و ابعاد آن‌ها

نوع مقوله	مقوله	ویژگی‌ها	ابعاد
مقوله محوری	بهبود رابطه دولت-ملت	جلب رضایت مردم	- نظام‌مند - بی‌قاعده
		اولویت منافع عموم	- جذب کارآمد - جذب ناکارآمد
		پشتیبانی از تصمیمات دولت	- مشخص - بی‌قاعده
شرایط علی	شایسته‌سالاری	دانش و تخصص محوری	- زیاد - کم
	مدیریت مشارکتی	صلاحیت و توانمندی مجریان	- زیاد - کم
	حکمرانی خوب	توسعه درون‌زا	- حمایت مدیران - بی‌تفاوتی مدیران
شرایط مداخله‌گر	محرومیت	بومی‌گرایی	- سیستم حمایتی - سیستم بی‌تفاوتی
	ضعف توان‌های طبیعی و انسانی	اثربخشی دولت	- رابطه مندی - ضابطه مندی
	سوء مدیریت	امنیت زایی	- زیاد - کم
شرایط زمینه‌ای	تأمین زیرساخت‌های مناسب	عدم وجود متولی واحد	- مقاومت - تسلیم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	عدم پاسخگویی	- زیاد - کم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	خشکسالی و کم‌آبی	- زیاد - کم
راهبردها	تأمین زیرساخت‌های مناسب	عدم اعتماد به دولت	- مؤثر - مخرب
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	فشار اقتصادی	- زیاد - کم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	عدم برنامه‌های حمایتی	- تداوم - نامنظم
پیامدها	تأمین زیرساخت‌های مناسب	تأمین امکانات سخت‌افزاری	- مؤثر - مخرب
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	تأمین امکانات نرم‌افزاری	- مؤثر - مخرب
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	آموزش همگانی	- زیاد - کم
پیامدها	تأمین زیرساخت‌های مناسب	تقویت ظرفیت عمومی جامعه در مقابله با تغییرات اقلیمی و حفاظت از محیط زیست	- زیاد - کم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	برنامه ریزی محیطی	- مؤثر - مخرب
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	ارتقای کارآمدی	- زیاد - کم
پیامدها	تأمین زیرساخت‌های مناسب	برنامه ریزی استراتژیک	- تداوم - نامنظم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	تدوین و اجرا برنامه ملی جامع انطباق اقلیمی	- رابطه مندی - ضابطه مندی
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	افزایش رضایت مردم از دولت	- زیاد - کم
پیامدها	تأمین زیرساخت‌های مناسب	حفظ فرهنگ و هویت ملی	- مقاومت - تسلیم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	کاهش خسارات اقتصادی و اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی	- زیاد - کم
	تأمین زیرساخت‌های مناسب	نه به مهاجرت	- زیاد - کم

**شرایط علی:** شرایط علی مجموعه‌ای از وقایع، شرایط و عواملی است که بر مقوله محوری اثر گذارند. سه مقوله «شایسته‌سالاری»، «حکمرانی خوب»، «مدیریت مشارکتی» مؤلفه‌های اثرگذار بر «بهبود رابطه دولت-ملت» بعنوان مقوله محوری هستند.

**شایسته‌سالاری:** «شایسته‌سالاری» مقوله علی است که در سطح سازمانی بر بهبود رابطه دولت-ملت اثر می‌گذارد. این مقوله متشکل از مفاهیم «دانش و تخصص محوری» و «صلاحیت و توانمندی مجریان» است. نظام شایسته‌سالاری نظامی است که در آن مزایا و موقعیت‌های شغلی تنها بر اساس شایستگی، و نه بر مبنای جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت به افراد داده می‌شود (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۱). بر این اساس عوامل متعددی در ناکارآمدی نظام اداری استان سیستان و بلوچستان نقش داشته‌اند، که برخی از آن‌ها عواملی هستند که در کل کشور از ماهیت یکسانی برخوردار بوده و برخی نیز، منحصر به شرایط خاص استان هستند. مطابق یافته‌های این بررسی، ساختار اجتماعی و فرهنگی استان، یکی از عوامل بروز پدیده‌ی ناشایستگی در سیستم‌های اداری است. ساختار اجتماعی قالب در استان بر محوریت تعاملات قومی و قبیله‌ای استوار است. از سوی دیگر، ضعف در بنیان‌های آموزشی که سابقه تاریخی طولانی نیز دارد، ضربه اساسی بر روند شایسته‌سالاری و به تبع آن، توسعه‌ی استان زده است.

عوامل دولتی و نهادی نیز یکی از مهمترین مؤلفه‌های عدم وجود رویکرد شایسته‌سالاری در نظام اداری استان است. نبود دیدگاه استراتژیک و علمی در ساختار اداری کشور، باعث شده است، حجم مشکلات و آسیب‌ها در نظام اداری به حدی زیاد باشد که عملاً فرصت و توانی جهت برنامه‌های توسعه‌محور نباشد. این موضوع به دلیل مشکلات و شرایط خاص استان سیستان و بلوچستان از اهمیت بیشتری برخوردار است (Moradzadeh, 2022).

**حکمرمایی خوب:** «حکمرمایی خوب» مقوله‌ای است که در بهبود رابطه دولت و ملت تأثیر گذار است. این مقوله شامل مفاهیمی چون «امنیت‌زایی» و «اثربخشی دولت» است.

حکمرمایی خوب و توسعه پایدار دو جنبه کلیدی را به اشتراک می‌گذارند؛ اول اینکه هدف هر دو گسترش مشارکت عمومی است و هر دو مفهوم، محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت‌ها سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد می‌توانند فعالانه در برنامه ریزی و مدیریت جامعه شرکت کنند لذا پایداری و حکمرانی نیازمند تأکید بر رویکردهای شفاف و مطلوب در تصمیم‌گیری است. همچنین هر دو مفهوم فرایند محور و نتیجه‌گرا هستند، از این رو در جوامع در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران بایستی به مفهوم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر بر آن توجه ویژه‌ای شود تا فرایند توسعه پایدار تسهیل گردد (Moradi et al., 2017). بر اساس آخرین گزارش منتشر شده از سازمان شفافیت بین‌الملل ایران از لحاظ فساد مالی و گسترش آن در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه ۱۴۶ را کسب کرده است و بر اساس وضعیت نهادهای دموکراتیک و شاخص‌های فساد، نمره ایران در این رده بندی ۲۶ است که نشان دهنده گسترده بودن پدیده فساد در فضای اجتماعی و اداری ایران است. اگرچه جامعه ایران جامعه‌ای توأم با گرایش‌های مذهبی و ملی است که پدیده فساد را زشت و قبیح می‌داند و همواره بر مبارزه با آن تأکید می‌کنند ولی شیوع فساد در جامعه مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی، ملی و توسعه پایدار را بسته است و هزینه‌های بسیاری را بر دوش کشور و مردم گذاشته است که یکی از مهمترین این خسارتهای در بعد کلان افزایش فاصله طبقاتی و اجتماعی در سطح جامعه و در نهایت عدم توسعه است. این امر در استان‌های مرزی نظیر استان سیستان و بلوچستان ضروری‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که این استان با برخورداری از موقعیت استراتژیک و منابع غنی برای توسعه همه جانبه شرایط بالقوه بسیار مناسبی دارد اما تاکنون از ظرفیت‌های انسانی امکانات و مواهب طبیعی آن در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی به شکل مطلوبی بهره برداری نشده است. لذا بررسی مسائل و چالش‌های عمده نظام حکمرانی استان سیستان و بلوچستان و وجود معضلات بسیار در این استان نشان دهنده نظارت نامناسب یا فقدان نظارت مطلوب بر کار دستگاه‌های دولتی است که توجه به حوزه حکمرانی خوب و همچنین توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان را ضرورتی انکار ناپذیر می‌سازد (Peighan et al., 2021). از این رو پژوهش حاضر به دنبال سنجش و اعتباریابی الگوی حکمرانی خوب با رویکرد توسعه پایدار در سازمان‌های دولتی استان سیستان و بلوچستان بر اساس تکنیک داده بنیاد است.

**مدیریت مشارکتی:** «مدیریت مشارکتی» مقوله‌ای است که بر مقوله محوری یعنی بهبود رابطه دولت و ملت اثرگذار است. مقوله یاد شده شامل مفاهیمی چون «توسعه درون‌زا» و «بومی‌گرایی» است. مدیریت مشارکتی به معنای مشارکت افراد مناسب، در زمان مناسب و برای انجام کار مناسب است. در این پژوهش توسعه درون‌زا بر اساس معیارهای ظرفیت‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در بحث ژئوپولیتیک، این منطقه یکی از مناطق مهم و حیاتی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هست. موقعیت جغرافیایی ویژه این منطقه نقش ژئوپولیتیک با اهمیتی به آن بخشیده است و باعث توجه قدرت‌هایی مانند هند و چین در این منطقه شده است و در مورد ظرفیت‌های جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان می‌توان به ظرفیت‌های گردشگری، شیلات و باغداری موز و انبه اشاره کرد.

**عامل محوری:** کدگذاری محوری دومین مرحله کدگذاری نظریه داده بنیاد است که در آن شروع به ایجاد ارتباط بین مفاهیم در پژوهش می‌کنیم. کدگذاری محوری به سادگی فرایند شناسایی موضوعات بزرگتر مرتبط با سوال تحقیق است. اینها "محورهایی" را تشکیل می‌دهند که می‌توان کدها را حول آنها سازماندهی کرد. براین اساس در تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه در مورد دیدگاه‌های مربوط به تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با مهاجرت‌های اقلیمی: مورد پژوهی جنوب شرق ایران، کدهایی مانند «جلب رضایت مردم»، «پشتیبانی از تصمیمات دولت» و «اولویت منافع عمومی» ایجاد شده است. همچنین کدهایی مانند «جلب اعتماد ملت» وجود دارد، اما در حال حاضر، می‌توانید بین سه کد اول ارتباط برقرار کنید و آنها را در دسته «بهبود رابطه دولت-ملت» سازمان‌دهی کنید. این کد محوری یک موضوع بالقوه کلیدی را نشان می‌دهد که ممکن است برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تولید نظریه ما در ارتباط با تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با مهاجرت‌های اقلیمی در جنوب شرق ایران مهم باشد. مهمتر از همه، سازماندهی کدهای موجود از مرحله کدگذاری باز به کدهای محوری به ایجاد ارتباط بین آن عناصر گسسته کمک می‌کند. محققین را قادر می‌سازد تا روابط را شناسایی کنند، کدهای اولیه را از موجودیت‌های مجزا و نامرتبط به واحدی منسجم تر برای درک جامع داده‌ها ارتقا دهند.

**عوامل زمینه‌ای:** این عوامل که به مقوله‌های محیطی نیز معروف‌اند، نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که الگوی تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شرایط زمینه‌ای در این تحقیق شامل ۲ مقوله می‌باشد که در جدول شماره (۲) آمده است: شامل:

۱- وجود زیرساخت‌های مناسب: این مقوله متشکل از مفاهیم "وجود امکانات سخت افزاری" و "نرم افزاری" می‌باشد، این مقوله اشاره به این دارد که فرآیند بهبود رابطه دولت - ملت در بستر وجود زیرساخت‌های مناسب صورت می‌گیرد، همچنین اشاره به این دارد که برای توسعه و رشد اقتصادی، وجود زیرساخت‌های مناسب، اعم از زیرساخت‌های سخت و زیرساخت‌های نرم ضروری است. بر این اساس مهمترین محدودیت‌های استان سیستان و بلوچستان در این مقوله شامل؛ نبود زیرساخت ریلی، کمبود ناوگان حمل و نقل زمینی، افزایش کرایه حمل و نقل جاده‌ای، مشکلات زیرساخت جاده‌ای، نبود مدیریت واحد دریایی و نهاد متولی سواحل کشور در راستای اقتصاد پایدار است.

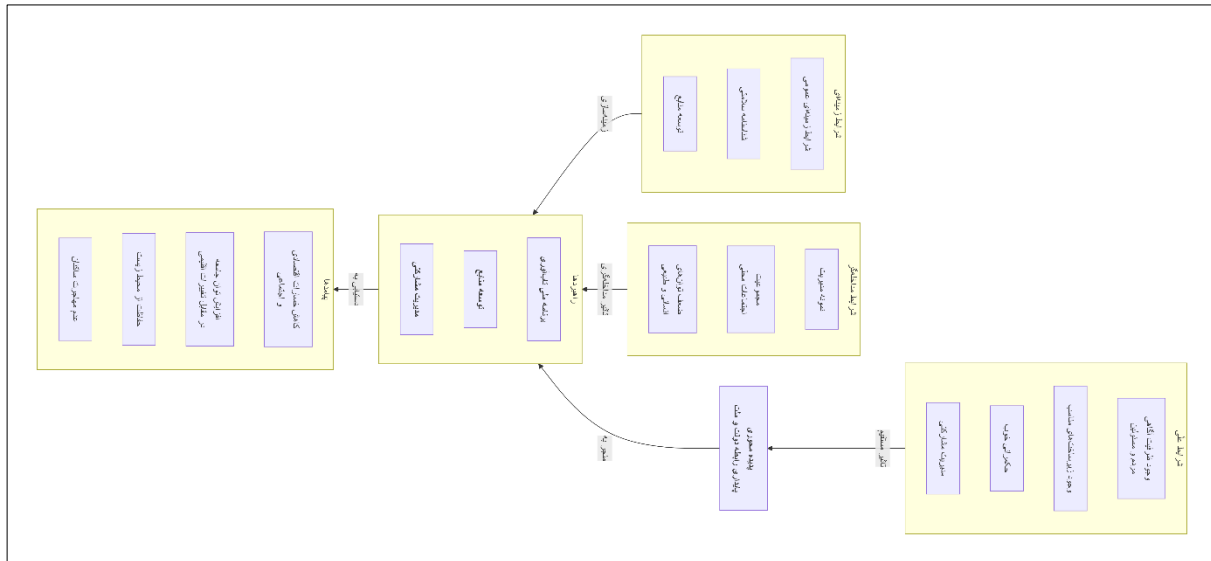
۲- وجود ظرفیت آگاهی مردم و مسئولین: این مقوله متشکل از مفاهیم آموزش همگانی و تقویت ظرفیت عمومی جامعه در مقابله با تغییرات اقلیمی و حفاظت از محیط زیست می‌باشد، مقوله اخیر اشاره به این دارد که همه افراد ساکن حوزه آبخیز و مسئولان، نیازمند آموزش در سطوح مختلف هستند. ایجاد نیاز به آموزش برای حفاظت از آب و خاک در جامعه، لازمه ورود به آموزش است، با دانستن ضعف‌ها و آسیب‌شناسی در این حوزه و با آموزش درست می‌توان در راستای برنامه‌های بین‌المللی و کشوری گام برداشت. اگر موضوع اثربخشی آموزش در برنامه‌های آبی به طور جدی لحاظ شود، می‌شود با مشارکت همه احاد ملت به سمت خاک، آب، اکوسیستم و یک حوزه آبخیز سالم برای مردم پیش رویم.

**شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر در فرآیند اجرای راهبردهای بهبود رابطه دولت - ملت رخ می‌دهند. تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میتوان مقوله‌های گوناگون شرایط مداخله‌گر را بطور کلی در سه دسته کلی شامل شرایط اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی، دسته بندی کرد. مسلماً با وجود عوامل بازدارنده ذکر شده، کیفیت و اثربخشی لازم اقدامات جهت تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در سیستان و بلوچستان کاهش خواهد یافت. مقوله «محرومیت»، «سوء مدیریت» و «ضعف توان‌های طبیعی و انسانی» به منزله شرایط مداخله‌گر در فرآیند اجرای راهبردهای بهبود رابطه دولت - ملت در نظر گرفته شده است. موانع اجرای الگوی تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی هم عبارتند از: موانع ماهیتی (فقدان متولی واحد، عدم یکپارچگی اجرا)، موانع مشارکتی (عدم مشارکت مردمی)، موانع مربوط به مجریان (نبود مسئولیت‌پذیری در مجریان، فقدان آموزش مناسب برای مجریان، ضعف و ناکارآمدی مجریان و تغییر مجریان کارآمد)، موانع محیطی (شرایط محیطی نامناسب، اراده سیاسی ناکافی)، موانع پیاده سازی (عدم نیازسنجی برای اجرا، زمان اجرا نامناسب، فقدان ابزار اجرا و ظرفیت ناکافی اجرا) و موانع نظارتی (نظارت نامناسب بر اجرا، عدم وجود دستگاه‌های نظارتی مستقل، ابزار نامناسب ارزیابی و عدم دریافت و انعکاس بازخود).

**عوامل راهبردی:** راهبردها یا کنش‌ها، اقدامات هدفمندی هستند که راه‌حلهایی برای پدیده مورد نظر فراهم می‌سازند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایجی می‌شوند. با توجه به یافته‌ها و داده‌های حاصل از پژوهش، مجموعه اقدامات ارتقاء قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دانش و عملکرد مردم در جهت افزایش تاب‌آوری، ارائه برنامه‌های ملی تاب‌آوری اقلیمی/اجتماعی، بعنوان راهبردها شناسایی شده‌اند. مقوله‌های برنامه ملی تاب‌آوری و توسعه منابع به عنوان راهبردهای مقوله محوری بهبود رابطه دولت - ملت در راستای ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با مهاجرت‌های اقلیمی جنوب شرق ایران شناسایی شده‌اند؛ یعنی فرآیند توسعه منابع و برنامه ملی تاب‌آوری در ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با مهاجرت‌های اقلیمی جنوب شرق ایران باید به‌عنوان چراغ راه و شالوده مدنظر قرار گیرند. همینطور، بهبود رابطه دولت - ملت در بستر تامین زیرساخت‌های مطلوب و مناسب و وجود ظرفیت آگاهی مردم امکان‌پذیر می‌شود.

**مقوله‌های پی‌آیندی:** پیامدهای حاصل از اجرای الگوی تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان)، می‌تواند در دو دسته طبقه‌بندی نمود، شاید نخستین پیامد آشکار اجرای برنامه‌های ملی تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی، ارتقاء آگاهی‌های عمومی، روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی مردم باشد. از دیگر پیامدهای اجرای الگوی تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان)، می‌توان به کاهش خسارات اقتصادی و اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی، افزایش توانایی جامعه در مقابله با تغییرات اقلیمی و حفاظت از محیط زیست و عدم مهاجرت ساکنان اشاره کرد.

**الگوی پارادایمی تحقیق:** با در نظر گرفتن مقوله‌های چنگانه و روابط بین پدیده‌های مطرح در مصاحبه، الگوی پارادایمی تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان)، حاصل از اجرای روش شناسی نظریه داده بنیاد کوربین و اشتروس در شکل ۲ حاصل آمده است.



تبیین یافته‌های پژوهش حاضر مانند تحقیقات دیگر حوزه تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی، تأثیرگذاری مقوله محوری یعنی بهبود رابطه دولت و ملت بر تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) را نشان می‌دهد. بر این اساس، نظام سیاسی وقتی قادر به حفظ مشروعیت و جلب وفاداری است که ساختار نهادی قادر به پاسخگویی مطالبات و تقاضاهای شهروندان باشد و نیز، دولت منافع همه گروه‌های اجتماعی را در نظر بگیرد. با همین استدلال بر مبنای نظریه بحران مشروعیت و وضعیت سیاست اجتماعی در ایران و بالاخص استان سیستان و بلوچستان میتوان گفت که سیاست‌های دولت نتوانسته است پاسخگویی مطالبات شهروندان حداقل در چارچوب اصول قانون اساسی در بعد سیاست‌های اجتماعی باشد و توزیع عادلانه منابع برای همه طبقات و گروه‌های اجتماعی صورت نگرفته است (قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴). همچنان که ادعان داریم «بهبود رابطه دولت - ملت در مرزهای ملی در گرو پاسخگویی به عدالت است» (زرگر، ۱۳۹۰). توجه به بحران عدالت اجتماعی در چارچوب سیاست‌های اجتماعی کارآمد و نظام‌مند، میتواند راه تبدیل شکاف ساختاری میان دولت و مردم را به فرصتی برای بهبود رابطه دولت - ملت در ایران و بویژه استان سیستان و بلوچستان فراهم نماید. در حال حاضر، نظام سیاسی حاکم که از یک سو با چالش‌هایی از جمله عدالت قضایی، عدالت محیط زیستی، عدالت آموزشی، عدالت سلامت روبرو است، بیش از پیش نیازمند ایجاد سیستم ایمنی برای همه شهروندان می‌باشد. ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، کاهش بیکاری، ارتقای سطح آموزش و سواد در کشور، ایجاد امنیت اجتماعی، برخورداری از محیطی سالم و لذتبخش، افزایش بهره‌وری و تحقق عدالت اجتماعی در پرتو توجه نظام‌مند به سیاست اجتماعی و ابعاد آن است (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷).

بطور کلی، در مطالعه حاضر دو دسته عوامل کلان و خرد به عنوان عوامل تأثیرگذار در تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) شناسایی شدند. در گروه عوامل کلان، محیط نهادی و حاکمیتی یکی از عوامل شناسایی شده است که تأثیر آن بر تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) بر بسترهای مدیریتی لازم در حوزه تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) اشاره دارد. با توجه به سوء مدیریت و ناکارآمدی مجریان که نشان می‌دهد مساله تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) در موقع اجرائی و عملیاتی شدن برنامه‌های مذکور تحت تأثیر عواملی که در این تحقیق بعنوان عوامل مداخله‌گر شناسایی شده‌اند، به شدت ضعیف عمل شده است.

در گروه عوامل خرد موثر بر سیاست‌گذاری تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان)، یافته‌های مطالعه حاضر نشان از تأثیرگذاری مجموعه‌ای از عوامل با عنوان عوامل اجتماعی را داشت که در شکل‌گیری قوت‌ها و ضعف‌های تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان)، نقش پیشبرنده و یا بازدارنده داشتند. این اجتماع افراد است که در تسریع اجرای فرایند تاب‌آوری اجتماعی در مقابل تغییرات اقلیمی نقش اول را دارند. اگر افراد در طرح‌ها مشارکت فعال نداشته باشند تدوین موفق یک سیاست و یا برنامه کلان اصلاحی امکانپذیر نیست.

## ۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

با افزایش فراوانی مخاطرات اقلیمی و آثار منفی تغییرات اقلیمی هموار کردن مسیر توسعه پایدار و نگرش تاب‌آوری بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. از اهداف چنین نگرشی افزایش ظرفیت جوامع در برابر بحران‌ها، کاهش آسیب‌پذیری و جلوگیری از جابه‌جایی و مهاجرت افراد است. از آنجا که ایجاد تاب‌آوری می‌تواند ضامن رفاه انسانی در محل زندگی افراد در حال و آینده باشد، اتخاذ رویکرد و سیاست‌هایی که با کمک آن‌ها آسیب‌پذیری کاهش یابد و ظرفیت و توانایی نظام‌ها و افراد افزایش یابد ضروری است. تاب‌آوری مفهومی چند بعدی و شامل ابعاد محیطی، اجتماعی اقتصادی، زیر ساختی و نهادی است. در نتیجه باید مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری یعنی ظرفیت جذب سازگاری و تغییر در سطوح متفاوت فردی و ملی ایجاد و تقویت شود. همچنین در مطالعات و اجرای آن باید این ماهیت چند بعدی در نظر گرفته شود، همه ابعاد با هم بررسی شوند و در هر بعد شاخص‌هایی در نظر گرفته شود که در ایجاد تاب‌آوری کل سیستم مؤثر باشد.

در کشورهای مختلف با توجه به امکانات در دسترس و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی آموزشی و به کارگیری فناوری، تلاش می‌کنند تاب‌آوری جوامع را افزایش دهند. این امر مستلزم آن است. که دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها نقش فعالی در ایجاد تغییرات ایفا کنند تا برنامه‌ها و سیاست‌های سازگاری ملی و منطقه‌ای در راستای تاب‌آوری محیط و کاهش دادن آثار منفی رخدادها و بلایای طبیعی و کاهش مهاجرت باشد. از آنجا که ویژگی‌های جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متفاوت است. ضروری است که برنامه‌ها و سیاست‌های تاب‌آوری در هر منطقه همراه باشد با مشارکت مدنی، توسعه دانش بومی و به کارگیری فناوری در راستای دانش بومی و زیر ساخت‌های منطقه‌ای. همچنین تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها و سیاست‌گذاران در راستای وضع قوانین و مقررات و سیاست‌های تاب‌آوری، می‌تواند توانایی بازیگران دیگر را برای سازگاری با تأثیرات تغییرات اقلیمی تقویت یا محدود کند. هدف این مطالعه ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) و روشن ساختن این مساله است که با تبیین عوامل و شرایط موثر در اتخاذ سیاست‌گذاری‌های مربوط به تغییرات اقلیمی آن‌ها را در زنجیره برنامه‌ریزی‌های ملی تلفیق کرد. انجام مصاحبه با مسئولان اجرایی وزارت کشور، متخصصین در حوزه جغرافیا، محیط زیست و جامعه‌شناسی منجر به طراحی مدلی برای ارائه الگوی تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) گردید. یافته‌های حاصل از این پژوهش به سیاست‌گذاران این حوزه کمک می‌کند تا روندی را که می‌توان بر طبق آن سیاست‌هایی تولید کرد که مبتنی بر بهترین و معتبرترین متدهای علمی باشد، شناسایی کرد و در تدوین، پیش، اجرا، ارزشیابی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سطح خرد و کلان مورد استفاده قرار داد. در مطالعه حاضر محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه بکارگیری عوامل و شرایط علی و زمینه ساز در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای مورد بحث قرار گرفت. با توجه به محدودیت‌ها و موانع موجود و همچنین بر طبق مباحث مطرح شده با مشارکت‌کنندگان این پژوهش و کدگذاری متن مصاحبه‌های انجام شده راهکارهایی پیشنهاد شد. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

(۱) توجه به این نکته از سوی نظام سیاسی حاکم مبنی بر این که، بهبود رابطه دولت-ملت یک پروژه فرایندی است و نه مقطعی که بتوان برای آن آغاز و پایانی متصور شد. بنابراین به جای توسل به سیاست‌های تصنعی و شعاری در جهت قالب بخشیدن به هویت ملی، مبیاست سیاست‌ها را به سوی آنچه واقعاً به حل مسائل و دشواری‌های پیشبرد این پروژه مربوط می‌سازد، سوق داد. بنابراین توجه مدیریت نظام سیاسی حاکم در جهت توسعه سیاست‌های اجتماعی با نتیجه «برد-برد» برای مردم و نظام سیاسی حائز اهمیت است. (۲) افزایش سطح شناخت و آگاهی، خودارزیابی‌های جوامع محلی، ایجاد حس تعلق به مکان و ... از نتایج اجرای سیاست حکمروایی خوب است و می‌تواند در محیط‌های شکننده بسیار مثرم ثمر واقع گردد. (۳) پیش از اتخاذ هر سیاست اجتماعی بایستی ابتدا مناقشات نهادی و ارزشی که در تعریف مسائل، حل مسائل و سیاست‌های پیشینی شده برای حل آن‌ها در نظر گرفته می‌شود رفع گردد. (۴) چرخش گفتمانی نظام سیاسی از مفهوم حداقلی رفاه بر مفهوم چندبعدی سیاست اجتماعی و درک وجود رابطه ارگانیک میان انواع سیاست‌های اجتماعی در جهت ایجاد عدالت و رفاه اجتماعی. (۴) تخصیص بودجه و منابع مالی ویژه جهت مقابله با تغییرات اقلیمی. (۵) زمینه‌سازی نهادی و استفاده از ظرفیت‌های نهادی برای تاب‌آور نمودن استان سیستان و بلوچستان از طریق ایجاد سیاست‌های ملی و چارچوب‌های قانونی مؤثر بر کاهش خطرپذیری بلایا ایجاد بستر و زمینه لازم برای پیوند اصول پایداری در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای و مخاطرات محیطی خصوصاً تغییر اقلیم و نظایر. (۶) توجه به عملکرد نهادهای دولتی و محلی در ارتباط با ارائه خدمات آموزشی جزوه بروشور و... در رابطه تغییرات اقلیمی جهت ارتقای عملکرد نهادی. (۷) افزایش میزان مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری برای محله جهت ارتقای بستر نهادی.

## تشکر و قدردانی

این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF) و برگرفته از طرح شماره ۴۰۱۳۷۵۴ انجام شده است.

## ۶. منابع

1. Hossen, A., Netherton, C., Benson, D., Rahman, M. R., & Salehin, M. (2022). A governance perspective for climate change adaptation: Conceptualizing the policy–community interface in Bangladesh. *Environmental Science & Policy*, 137, 174–184.
2. Berkhout, F. (2005). Rationales for adaptation in EU climate change policies. *Climate Policy*, 5(3), 377–391.
3. Beilin, R., & Wilkinson, C. (2015). Introduction: Governing for urban resilience. *Urban Studies*, 52(7), 1205–1217.
4. Basatminia, A., Rezaei, M. R., & Saraei, M. H. (2018). Explanation and analysis of social resilience to cope with natural disasters. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly*, 8(3), 209–224.
5. Corbin, J., & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (4th ed.). Sage Publications.
6. Callaghan, M., Schleussner, C. F., Nath, S., Lejeune, Q., Knutson, T. R., Reichstein, M., et al. (2021). Machine-learning-based evidence and attribution mapping of 100,000 climate impact studies. *Nature Climate Change*, 11(11), 966–972.
7. Campbell, J., & Barnett, J. (2010). *Climate change and small island states: Power, knowledge and the South Pacific*. Earthscan.
8. Sam, E., & Mansouri, S. (2017). Explanation and study of the concept of social resilience and analytical evaluation of its measurement indicators. *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 8(32).
9. World Bank. (2019). *Floods and droughts: An EPIC response to these hazards in the era of climate change*. Retrieved from [www.worldbank.org/en/news/feature/2021/06/17/floods-and-droughts-an-epic-response-to-these-hazards-in-the-era-of-climate-change](http://www.worldbank.org/en/news/feature/2021/06/17/floods-and-droughts-an-epic-response-to-these-hazards-in-the-era-of-climate-change)
10. Faraji, A., Shamsipour, A. A., & Barazman, S. (2020). Sociological assessment and evaluation of Varamin city's resilience to hazards caused by climate change. *Natural Geographical Research*, 52(4).
11. Gharakhani, M. (2016). Social policy in Iran: The state–nation gap. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 26(75).
12. Gholinejad, M., Pourahmad, A., Hataminejad, H., & Safarzadeh, T. (2021). Analysis and enhancement of coastal cities' resilience against climate change hazards: Case study of Babolsar city. *Earth Science Research*, 13(49).
13. Gross, J. S. (2008). Sustainability versus resilience: Similarities and differences in environmental management applications. *Science of the Total Environment*, 613–614, 1275–1283.
14. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (2014). *Climate change 2014: Impacts, adaptation and vulnerability*. IPCC.
15. Kavianirad, M., Namdarzadeh, M., & Hosseini, M. (2019). Explaining the security repercussions of drought on migration: A case study of the borders of Sistan and Baluchestan Province. *Political Organizing of Space Quarterly*, 2(1).
16. Planning and Budget Organization. (2011–2015). *Law of the Fifth Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran*. Center for Economic and Social Documents.
17. Moradzadeh, A., Hossein Bar, M., & Salarzahi, H. (2022). *Journal of Strategic Management Studies*, (49).
18. Moradi, E., Rahnama, A., & Heidarian, S. (2017). The impact of good governance indicators on corruption control: Case study of Middle East and Southeast Asian countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 14(4).
19. Magis, K. (2010). Community resilience: An indicator of social sustainability. *Society & Natural Resources*, 23, 401–416.
20. Peighan, V., Yaghoubi, N., & Keikha, A. (2023). Assessment and validation of the good governance model with a sustainable development approach: A study in Sistan and Baluchestan. *Iranian Public Administration Studies (JIPAS)*, 5(2).
21. Rafiei, H., Madani Ghafarkhi, S., & Vameghi, M. (2008). Social problems in Iran's priority. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1–2).
22. Valizadeh, B., Karimi Pour, Y., Momeni, F., & Afrakhteh, H. (2020). *Dimensions of endogenous development in Chabahar and Konarak counties* (Doctoral dissertation). Kharazmi University.
23. Partoi, P., Behzadfar, M., & Shirani, Z. (2016). Urban design and social resilience: A case study of Jolfa neighborhood, Isfahan. *Quarterly Journal of Architecture and Urban Planning*, 17.
24. Sarwari-Dardashti, Z., Mahmoudi, B., & Sadeghi Deh Cheshmeh, S. (2019). Identification, classification and prioritization of social resilience criteria and indicators in the country. *Strategic Studies of Public Policy*, 10(36).
25. Surjan, A., Sharma, A., & Shaw, R. (2011). Understanding urban resilience. In R. Shaw & A. Sharma (Eds.), *Climate and disaster resilience in cities* (pp. 17–45). Emerald Group Publishing.

26. Shahparisani, M., & Majidi, A. (2011). Modeling spatial changes in social resilience using geographic information systems: Case study of Sar-e-Pul-e-Zahab city. *Crisis Management, 10*(3).
27. Smit, B., & Pilifosova, O. (2003). Adaptation to climate change in the context of sustainable development and equity. *Sustainable Development, 8*(9).
28. The Young Foundation. (2012). *Adapting to change: The role of community resilience*. The Young Foundation.
29. Withanaarachchi, J. (2013). Influence of strategic decision making on transport corridor planning, transport infrastructure and community resilience. In *Proceedings of the International Conference on Building Resilience 2013: Individual, institutional and societal coping strategies to address disaster risk*. University of Salford, Sri Lanka.
30. Zargar, A. (2011). Nation–state building models: From the European model to the Eurasian model. *Specialized Quarterly of Political Science, 4*(7).